

جل و بلاس حلقہ رائروں ریشمہ

نما: باطلایع سمعیت جول و پیلاس خانه وا از کلوب ابریون بیرون رسیده، آمد
کلوب در دست حمیت شد و این کلوب از ترازوکه شفیده مشود میشود از
اعضاها کلوب نظر نداشت: نهایتاً کلوب به عقایق دارویه مدد واهد بیش شود خواهد
گردید: با اینکه از دست این کلوب ناشی نداشت: این کلوب از دست این کلوب ناشی نداشت:
ماوراء شماره نوشته بودیم که: دوات موقوف است: حمل این فادرمانی
را: دفاتر: چون کلوب خانی و دفاتر: ۲: نهاد شده: پویا: با لایحه در دست این فادرمانی
با از این آثار ابریون و رفته: همان کلوب خانی شد: این لایحه در دست این فادرمانی
مثل: معمولی و معمولی: شناسواری: بکه: ب: ویاده: شدن از از زره و همی
است: این کلوب از این مطهرا: برای سید: در: و نهایه: این: از: این: بدر: نهایه
بالا: در: خانه: کلوب: کلوب: در: مراقب: راه: که: چیز: بود: شد: کلوب: کلوب: میتواند: ب: کلوب: همی
تاریخ: خانه: کلوب: کلوب: در: مراقب: راه: که: چیز: بود: شد: کلوب: کلوب: میتواند: ب: کلوب: همی
اعضاها: این: کلوب: کلوب: در: مراقب: راه: که: چیز: بود: شد: کلوب: کلوب: میتواند: ب: کلوب: همی
آنما: دوستند: این: مرد: مهره: و: که: نهاده: کی: مات: را: غصه: بوده: ود: از
محل: بیرون: نکند: اینها: نااست: خالی: این: کلوب: را: کلوب: نهاد: همان: این: مرچ: بیش

هم فدو خالی کردند، که ۱۶ هزاره داش بخواهد مینتواند سکنی
این نمایند و میرایی درس فرموده، و مادر و مادرزاده هم ۱۶ هزاره داش
که از این خود دادو و نه ۱۶ هزاره بخواهد و زن و بون
و باخوان زانوی کشت که بست که را سر برداش و بارز معرف نمکنند و از اینها
قافون زانوی زمزمه زد، بدست این هم جزو پیش میاند اشخانی ده و همه بقدر
شیخ گنی که بیست سر شان دستگذشت از این دارو.

مردم چه می‌گفتند؟

ن جو اولاد
جیخت جو
امداد کیم مسایہ فوطالب مادورین
اداگت تماشاجان را با ارد گکی و
دند.
دن دن زور بـ از رو خود مخبرین و
تدبیر کیف کرده از تغیر و
ماز و زارت هنله می خواهم جواب
از روز دستور کی توائمه اند به
ادی کوششان و مدرن روزه های
ت بازیند.

لی ای هی
س سفیر کبیر ایران در مسکو شوران
با لایحه مادعه مختار طور میشود، اگر
غیرت و امداده باشد پایانده بگیرد.
اگر میشود بالا بخواهد: بنوی میجت و مده
میشود که بگیرد و بخواهد: پوش کنم اگر
میشود از دمه مده مده رسانان برسام

روز دیگر برای شش تا هفت ساعت بعد
در اطراف کهیانی بوده است.
نه کلید
لوگوی مکانیکی اتفاق نمی‌افتد و همه
اینها بایاری بکشند.

چه بزرگی این انتقام که ایشان را بر علاوه
و رسیده باشند! نامه بزرگی
ای صادق
هزاره زده در مقابل دکتر ملایر و اسحق
های طرفدار ایشان هم کم و پیش
بزرگی مملوک تکنیکی بیکنند که این زندگی
تست که مادر از
آن غصه ای بود که از همه ناشایخان
و نوادران مقدمه نداشت. از همه اشنا که
برای اتفاقیه خوبه تو سندگان آگوی
د ملایر بکنند *

طق چر چل

پرچیل نفعت و زیر اکتشان رام
 بهداگران اکثر خود در موسکو در میان
 شوری طلق و زیر ابراد بود
 مردانه چنگ دشوار است
 ناید انصراف داشت که در قدرم، ها
 دام و شد بیکارها افزوده شد و بینید
 من در این زمان روز بزدیک دید
 چنگ باستیان یا بنان تکن کسی از این
 ها زد و در آنکه هایک همان رسیده ای
 ناید از هیگوکو سعای کامل فرو کار
 شنبه، پنجمین ماهش بیشتر
 ججه آزادی است

عُمُومِی

اس بکو یہ؟

حکومت اسلامی با دشات نی موڑ خود میرفت انتظام وارم و زندگو بایک
خواست همچو خواست سراغ خود ایشان
نه بزرگی ایجاد نکند
در صورتیکه از همان ساعت و
دقیقه اول تابستانه، کسانی که کرد
بروندند این اتفاق را می‌دانند شکران
داونو پیش میروند. معاشر فرایان
گورکان گرفتار می‌روند رعایت انتظام
کنند و این اتفاق را می‌دانند

میکرند امروز ها ملأه
 هست اخلاقات با دولت دُوری وابر
 کوشا میتواهند از حسنه ما
 روزانه، های مفهای دولت درست برات
 در خوش است
 شنیده دادست که از آقای وابر
 شده است که از اکی های دولتی بر
 داده شود
 فروزان پنهان به تایت شده ناست
 تایت اگریک واقد و مردمی را دری
 از این مرکز بروی شنیده
 اگر فرماده آیمه که افسر چاهارم و داد
 خوشرسید خودرا در سمت مدیر اندمن مکن
 بود و این مرکز چیکانه بکه داده
 آذون خوب بین بایه
 همین ملوثش از مردم که از این
 لئنه بود، اگر آنها چیزی میخواهند
 خود اداره ایشید خواهند...
 اظاظی ایجاد نهادند و ساده
 بیان ایشان (اظیر مدد، آذر) کاری اینتو است

ازگر

بانمایش

نماش روز جمهوری که با پیشقدمی
آزادی و هیبت منتهه نموده
گران و زحمت کشان تکشید کرد
بکارهای دیگری ثابت کرد که مات
نموده مطابق با مذکور شد و دو شفته

از خود اجهاز و خارقه ما بروز
ما با تمدد جمیعت کار نداو به مضر
تفقید نشانه هزار دلیل بهی ازین
زیاد را نهاده استدانته این هم بیست
اسامت آن است. همان اتفاق
بیانیان آنها است ممکن این است که
درجه ثابت شد یک تشکیل منظم
دک هر ساده میانه اندیختام تبریز
باک پایانش را تکان واده بخوابان

شکرانه اند آن را آماده شاند و بروز
ام پروران بواسطه آن تابت کردند
کشکور خود ملاطفه دارند مسائل
ی را از روی شمور و هلاقمه نهی
میگردند در موقع ازرم موندانه
و زواران خود را این دیدند.
تفاسیل هفتم دروز اگر اطلاع های
سرشار های مشتمل هم نبوده با
ضمیمه میگات که مدت ایران دوست
من خود را میگذراند، است. ملت

ن اثباتات پیدا کرده که می‌تواند
کارهای انسانی را در این دنیا
با خود بگیرد و این دنیا را
با خود بگذارد.

ایبرو ام است که باید سر او هشت کشور
بینین بکند آن ایبروی ملی است و
زورو روانگی شرد ملت است .

آن سوق میدهند: شان داد
آن از جمهور میزد ام - دام -
کنار آن: باین: کناره موش کرد
ب پارواره: بودن آپیا: شیل می
باشند: باشند: دستن آنکه بست
شان را بدست: کنند: هر غلطی داشان
هد نیوایند: بکنند.
ملت روز جمهور مشت کرد
سیاستداران: باین: شغل و افروز
داده: گفت: که نیاهم صیرتیست
و دای لازم ندارم و شما

